

زنان در مکتب اصفهان

نرگس معین نجف آبادی^۱

چکیده

زنان ایران در طول تاریخ به لحاظ منزلت اجتماعی - سیاسی اوج و افول‌های متعددی داشته‌اند. هر چند هیچ دورانی را نمی‌توان دورانی مطلوب برای آنها دانست اما در ادواری از تاریخ بسترهایی برای فعالیت زنان ایجاد شد. در این مقاله اشاره‌ای داریم به روزنه‌ای گشوده شده بر وضعیت زنان در عصر صفوی، در بازه زمانی که مکتب اصفهان شکل می‌گیرد. حکومت صفوی و به ویژه سلطنت شاه عباس اول، گسترش تشیع، ظهور و بروز مکتب اصفهان و ویژگی‌های فکری حکمای مکتب اصفهان فضایی را پدید می‌آورد که در پی آن زنان مجال هرچند اندک برای حضور در برخی عرصه‌ها را یافتند. حال این مساله مطرح است که زنان در مکتب اصفهان در عصر صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۲ م) چه نقش و تأثیری از خود بر جای گذاشته‌اند؟ زنان در این عصر از دو طریق توانستند نقش آفرین باشند یکی زنانی که خود مستقیم آموزش دیدند و به آموزش دیگر زنان پرداختند و گروه دیگر زنانی که به طور غیرمستقیم (با موقوفات خود) به مساله آموزش پرداختند. در این پژوهش سعی خواهد شد تا با شیوه تحلیلی - تاریخی و با نگاهی تاریخی - فلسفی به این پرسش پاسخ درخور داده شود.

واژگان کلیدی: زنان، مکتب اصفهان، صفویه، فلسفه، فقه